

تماشاخانه

اعتراض عوامل به توقیف «تانگوی تخم‌مرغ داغ»



● **شرق:** کسانی که روز جمعه بلیت نمایش «تانگوی تخم‌مرغ داغ» را به کارگردانی هادی مرزبان براساس متن اکبر رادی در دست داشتند با درهای بسته «تالار وحدت» مواجه و از توقیف اجرای این نمایش مطلع شدند.از نکات جالب این توقیف آن بود که معانعت از اجرای نمایش، پس از یک‌سده اجرای نمایش اعلام شد. رضا دادویی، رئیس «شورای نظارت و ارزشیابی» در توضیح علت توقیف این نمایش به «شرق» با بیان اینکه «مشکل «تانگوی تخم‌مرغ داغ» ممیزی نبوده، توقف اجرا را به‌دلیل مشکلات به‌وجودآمده برای گروه اعلام کرد و افزود: «شبهات و مشکلاتی برای این نمایش پیش آمد و به همین دلیل اجرای این نمایش شامگاه ۱۶خرادماه متوقف شد اما در حال تلاش و رایزنی هستیم تا مشکل حل شود» و او از تلاش این شورا برای حل این مشکل برای روز یکشنبه خبر داد. اما بعد از انتشار خبر توقیف این نمایش گروه اجرایی این نمایش در بیانیه‌ای به توقیف این نمایش اعتراض کردند. این یادداشت به امضای علی نصیریان، هادی مرزبان، قاسم زارع، فردوس کلویانی، فرزانه کللی، لیلا برخورداری و امین زندگانی رسیده‌است. در این بیانیه که با شرح اجرای این نمایش در سال فرهنگ و اقتصاد و میزان رضایت تماشاگران آغاز شده است، آورده شده: «این یادداشت از طرف کسانی است که سال‌ها با سختی‌ها و دشواری‌های بسیار اقتصادی در حوزه فرهنگی به هنر تئاتر وفادار مانده و با عشق به این هنر متعالی، کشور اسلامی و نیز مردم این سرزمین، به کار خود ادامه داده‌اند، و هیچ‌گاه به طعنه و کنایه، گله‌ای نکرده و مخالف‌خوانی نکرده‌اند. اما، گویی در نگاه بعضی مفرضان، هنوز غریب و ناشنا جلوه می‌کنند. کسانی تهمت بی‌فرهنگی به ما می‌زنند که چون موجی زودگذر، با جریان‌های سیاسی و سیاست‌بازی‌ها می‌آیند و می‌روند، و آگاهانه یا ناآگاهانه بر امثال ما که به‌خاطر داشتن دغدغه فرهنگ و هنر اسلامی و ایرانی، سال‌ها خون‌جگر خورده‌ایم، خرده می‌گیرند.بنابراین، به دلیل همین جوسازی‌های مفرضه، لازم دانستیم که دلایل خود را برای انتخاب این متن گران‌سنگ و اجرای آن برای روشن‌شدن افکار عمومی برشماریم.» بر اساس آنچه در این بیانیه آمده است نمایشنامه «تانگوی تخم‌مرغ داغ» با نگاهی دقیق و درست، در همین بستر شکل می‌گیرد و اکبر رادی، نویسنده متعدد و هوشمند اثر، تلاش کرده است تحلیلی موشکافانه از دوره پهلوی دوم به نمایش بگذارد: «تانگوی تخم‌مرغ داغ» روایی پرده از زندگی خانواده‌ای است که در بستر اجتماعی ناسالمی، فرومی‌پاشد. اکبر رادی با بهره‌رزاری از الگوی قصه‌های بومسی و مذهبی و با توجه ویژه به قصه قرآنی حضرت یونس(ع) و اظهار عشق و تمایل زلیخابه، و نتیجه اقدامات نتجیده و تقلید کورکورانه رژیم پهلوی را در بنیادی‌ترین گروه نمایش، بازتاب می‌دهد. نشان دادن مصایبق مهم به‌وجودآورنده خلل و شکاف در استحکام رولایت انسانی و قوام خانواده، همچون ازبین‌رفتن حرمت‌ها میان اعضای خانواده، بی‌خبری از یکدیگر، دروغ، ریا، خیانت و... در زمره همین تلاش صادقانه است. این نمایشنامه سند و مدرک مستدلی برای مخاطب امروز به‌خصوص نسل جوان است که به‌خوبی در یاد چطور اقدامات فریبنده و گول‌زننده خاندان پهلوی، جامعه ایرانی را از پایه و اساس به سمت فروپاشی می‌برد.» این گروه اجرایی در ادامه با اشاره به استفاده از برخی از الفاظ در متن اکبر رادی آورده‌اند: «استفاده معهود از الفاظ تند و بی‌پروا، نه به معنای ترویج بدی و گناه، بلکه در راستای نمایش بی‌برده واقعیت‌های اجتماعی آن دوره تاریخی و نهی از منکر است. نویسنده، تلویحا به مخاطب منتقل می‌کند که اگر این خانواده به نشانه کل جامعه، در حال ازبین‌رفتن است، به‌دلیل گرایش به همین رفتارهای ناپسند است. اکبر رادی در انتهای نمایش خود، آشکارا روشن می‌کند که تنها کسی می‌تواند در چنین وضعیت پرترنجی رستگار شود که از این بی‌اخلاقی‌ها، بی‌ترسیتی‌ها و بدبختی‌ها بهره‌بر کند، نمایش را به‌موقع بخواند، به کسی تهمت نزنند، دروغ نگوید و همچون یوسف پیامبر در سوسه‌فریبنده زلیخاهای زمانه، پا بر روی جویای نفسانی خود گذاشته و از این آزمون دشوار الهی سربلند بیرون بیاید. بر همین اساس، جامعه جوان ایرانی نیازمند آثار ارزشمندی همچون «تانگوی تخم‌مرغ داغ»، است تا به‌خوبی دریابد که چسرا امام‌خمینی(ره) با حمایت قاطبه مردم ایران بر ضد حکومت مفسد پهلوی قیام کرد»

خبر روز

«واحه غروب» نقد می‌شود

● **شرق:** به‌اظ‌طاهر از نویسنندگان معاصر مصر است که رمان «واحه غروب» به قلم او برنده اولین دوره جایزه بوکر عربی در سال ۲۰۰۸ است. نشست هفتگی شهر کتاب در روز شنبه ۲۰ خرداد ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی رمان «واحه غروب» اختصاص دارد که با حضور عظیم طهماسبی، بلقیس سلیمانی و رحیم فروغی در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصری، نشن کوچه سوم بر گزار می‌شود و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

● **سال جدید برای شما و حافظ ناظری**
با برپایی کنسرت‌هایی در آمریکا و کانادا همراه بود؛ کنسرت‌هایی که مخاطبان ایرانی و غیرایرانی بسیاری را جذب سالن‌های مهم موسیقی این دو کشور کرد. درباره این کنسرت‌ها بگویید و باز خورد آنها...

مهم‌ترین دغدغه ما در طول برگزاری این کنسرت‌ها در آمریکا و کانادا، این بود که با توجه به زندگی ماشینی جدید و تغییرات زندگی اجتماعی و نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، سلیقه مخاطبان تغییر کرده و مردم چندان به سمت موسیقی جدی نمی‌روند و از موسیقی هنری استقبال نمی‌شود. مخاطبان به خاطر کمبود وقت سرعاً موسیقی‌های لحظه‌ای می‌روند. به همین دلیل هم شما شاهد هستید خواننده‌ای که نه زحمتی برای هنرش کشیده نه درسی خوانده و حتی از صدایی خوب هم برخوردار نیست، مورد توجه قرار می‌گیرد و مردم از او استقبال می‌کنند. این مساله‌ای است جهانی و هنرمندان زیادی با آن روبه‌رو هستند. زمانی که تور کنسرت آمریکای شمالی را آغاز کردیم، این نگرانی را داشتیم که مخاطبان چقدر از این برنامه‌ها استقبال می‌کنند. برخلاف تصورمان، برنامه‌ای که روز ۲۹ مارس در سالن «نوکیا تیه تیر» لس آنجلس اجرا کردیم، با استقبال خوبی روبه‌رو شد. من حداقل انتظار این استقبال را نداشتم. این برنامه و برنامه‌های دیگری که در واشنگتن، شیکاگو، آنلانتا، هوستن و ونکوور اجرا شد این دلگرمی را به ما داد که هنوز تتمه حس‌های هنری جامعه باقی مانده است که جای شکر دارد و می‌تواند مایه دلخوشی باشد. از سوی دیگر حضور دبیاک چوپرا فیلسوف شناخته‌شده شرق که مورد علاقه غربی‌هاست در کنار ما اهمیت زیادی داشت. ایشان یکی از مولاناشناس سرشناسی است که سال‌هاست روی اشعار این شاعر بزرگ کار کرده. او از سوی مجله تایم به‌عنوان یکی از صد قهرمان و الگوی قرن انتخاب شده و با آلبوم «هدیه عشق» اشعار مولانا را به زبان انگلیسی و فارسی اجرا کرده چوپرا در برنامه ما اشعار مولانا را به انگلیسی دکلمه می‌کرد و من و حافظ ناظری هم به زبان فارسی این اشعار را اجرا می‌کردیم. در این تور موسیقی، نوازندگان مهمی که تاکنون نامزد یا دارنده جایزه‌های معتبر موسیقی همچون «گرمی» شده‌اند ما را همراهی کردند: نوازندگانی چون ذاکر حسین نوازنده طبله، گلن ولز نوازنده سازهای کوبه‌ای، مت هامیوویتز نوازنده ویولنسل و پاول نیویاتر نوازنده ویولا. مهم‌تر از همه اینکه، آلبوم «ناگفته» که به‌عنوان بخش اول پروژه «سمفونی رومی» توسط حافظ ناظری و همراهی گروهی بین‌المللی تنظیم شده بود در این کنسرت‌ها رونمایی شد. این آلبوم همان‌طور که می‌دانید توسط کمپانی سونی کلاسیک منتشر شده و بر اساس آمار سایت «بیلبورد» دو بار توانسته به‌عنوان یک اثر هنری از خاورمیانه جایگاه اول جدول فروش موسیقی کلاسیک جهانی را کسب کند. این امر یکی از مهم‌ترین اتفاقات این سفر بود و به واسطه آن آمیدی در دل‌ها شکوفا کرد. رئیس کمپانی سونی بعد از اینکه این آلبوم توانست رتبه نخست را کسب کند ای‌میلی ارسال کرد و نوشت زمانی که گروه شما را انتخاب کردم تا اثران جزو پروژه‌های ما قرار گیرد بسیاری از دوستان من ایراد گرفتند که نباید روی پروژه‌ای مربوط به خاورمیانه سرمایه‌گذاری می‌کردید چون با شکست مواجه خواهید شد. اما بعد از اینکه آلبوم رتبه اول را به دست آورد خیلی خوشحال شدم؛ چون دریافتم که در انتخابم اشتباه نکرده‌ام. موفقیت این آلبوم این حقیقت را ثابت کرد که کمپانی‌های موسیقی غربی به این باور رسیده‌اند که می‌تواند روی موسیقی ایرانی سرمایه‌گذاری کنند.

حضور داشتید: به‌عنوان یک موسیقیدان این آلبوم را چطور ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کنید علت موفقیتش چه بوده است؟

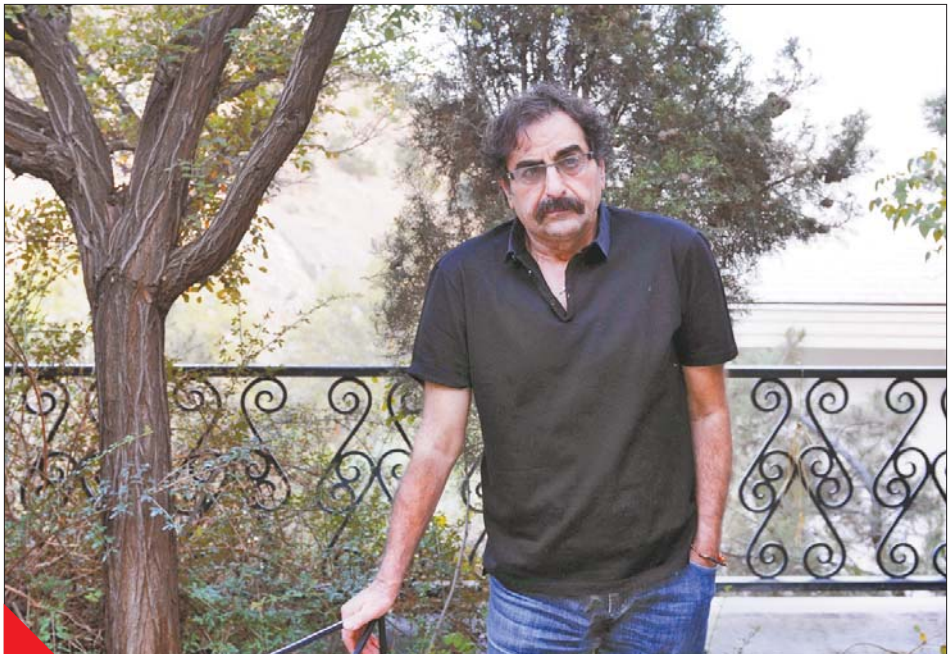
این را می‌توان از چند جهت بررسی کرد. یک زمان شما اثری را در منظر هنری ارزیابی می‌کنید؛ گاه از جهت میزان فروش در داخل. اما اثری هم هست که در صورت جهانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اینها هر کدام در جایگاه خودشان قابل بررسی هستند. درباره ارزش هنری این اثر صحبت نمی‌کنم و آن را به کارشناسان هنری و قضاوت مردم و جامعه محول می‌کنم. تنها نکته‌ای که

نامه ۱۱۷ عضو جامعه تجسمی: گنجینه موزه دیگر «معاصر» نیست

شرق: ۱۷ نفر از اعضای جامعه تجسمی در بیانیه‌ای خواستار توجه بیشتر به شرایط موزه‌ای موزه معاصر و خرید آثار تازه هنر معاصر جهان شده‌اند تا این موزه بتواند همچنان عنوان «معاصر» را یدک بکشد و به عنوان یک موزه هنر مدرن شناخته نشود.

در این بیانیه آمده است: «هدف اولیه این نهاد که در سال ۱۳۵۶ افتتاح شد خرید و گردآوری آثار تجسمی مدرن و روزآمد جهان و نمایش آنها به صورت یک موزه دائمی بود. به همین منظور در آن سال‌ها مجموعه‌ای از آثار هنر مدرن جهانی خریداری شد و گنجینه باارزشی در مالکیت موزه قرار گرفت که اکنون هم اعتبار جهانی و هم ارزش مادی آن افزایشی قابل توجه پیدا کرده است اما متأسفانه هدف اصلی چنین موزه‌ای در سال‌های بعد محقق نگردید و موزه

هنر



شهرام ناظری در گفت‌وگو با«شرق»:

اهل سیاسی‌کاری نیستم

پرویز براتی ـ فرزند ابراهیم‌زاده

در سال‌هایی که از ملی‌گرایی برداشت متفاوتی می‌شد، یاد ایران و تاریخ پرفراز و نشیبش را آواز کرده است. او در جست‌وجوی لحن‌های گمشده در گوشه‌ها و مقام‌های نامکشوف آواز سنتی اقوام مختلف ایرانی، راهی را در آوازخوانی ایران گشوده که مسیری تازه برای برون‌رفت از تکرار در موسیقی فضای اجتماعی دوره قاجار است. شهرام ناظری هنرمندی است که طی سه دهه گذشته به دور از حاشیه و قیل و قال، نقشی کلیدی در متن موسیقی ایرانی داشته است. او طی دو سال گذشته با برپایی کنسرت‌هایی با محوریت شاهنامه فردوسی، دست به تلفیق آواز با حماسه ملی ایرانیان زده است. ناظری طی یک ماه اخیر کنسرت‌هایی در تهران (دانشگاه صنعتی شریف) و کرمانشاه روی صحنه برد که محور هر دو آنها، شاهنامه‌خوانی بود. به همین بهانه و همچنین به مناسبت برپایی تور کنسرت‌هایش در آمریکا و کانادا (به همراه حافظ ناظری) با این خواننده به گفت‌وگو نشستیم.

ایرانی بودیم که می‌خواستیم در آن سالن کنسرت اجرا کنیم. کنسرت گذاشتن در این سالن به راحتی امکان‌پذیر نیست و روال سختی دارد؛ به همین دلیل هم کمتر کسی از خاورمیانه در این سالن کنسرت می‌گذارد. قرار بود شاهنامه فردوسی را به اجرا درآوریم. این اتفاق مهمی بود. همین باعث شد بیشتر مراکز مهم هنری نیویورک و آن ایالت از برپایی کنسرت آگاه شوند. حتی از دانشگاه‌هایی چون هاروارد و کلمبیا دانشجویان و استادان برای دیدن این کنسرت آمده بودند. در آن برنامه گویا چند نفر از مدیران سونی کلاسیک هم حضور داشتند و از این کار خوششان آمده بود. با حافظ تماس گرفتند و این درست زمانی بود که او مشغول ساخت سمفونی رومی بود. آنها در جریان قرار گرفتند و مذاکرات انجام شد و ماحصل آن به انتشار آلبوم ناگفته انجامید. همه این اتفاقات می‌توانست کمک کند تا این کار بتواند توسط سونی کلاسیک انجام و در سطح جهانی پخش شود و رتبه اول را کسب کند.

در تور اخیرتان در آمریکا فقط قطعات آلبوم ناگفته را اجرا کردید؟

من خودم به‌شخصه در برخی از موارد انتظار برنامه ضعیف‌تری را داشتم؛ ولی استقبال بیشتر از حد تصور بود و خود این به نظرم مهم‌ترین اتفاق بود.

آخرین روزهای حضور شما برای برگزاری این کنسرت در آمریکا با اتفاق ناگوار در گذشت محمدرضا لطفی همراه شد. از نظر شما لطفی در موسیقی ایران چه جایگاهی دارد؟

متأسفانه به دلیل اینکه در مسافرت بودم نتوانستم خود را به مراسم خاکسپاری زنده‌یاد لطفی برسانم. ایشان یکی از همکاران بارزش ما به‌خصوص از سال ۵۳ به‌بعد بودند. موسیقیدانی پرتلاش و یکی از کسانی بود که حضورش هم در زمینه اشاعه موسیقی سنتی و هم آموزش این نوع موسیقی بسیار مؤثر بود. ما جمعی بودیم در پیش از انقلاب که دورهم جمع شدیم تا به حفظ موسیقی بپردازیم. شما همه این افراد را می‌شناسید. گروهی از آنها در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی که پایه‌گذارش دکتر داریوش صفوت بودند و گروه دوم در مرکز تولید موسیقی رادیو ایران با مدیریت م. الف سایه دور هم جمع شدند. سایه از یک‌سو و دکتر صفوت از

سوی دیگر باعث شد هنرمندانی که تعهدی به موسیقی و به آن نگاه جدی دارند جمع شوند و بعد از انقلاب کانون چاووش را به وجود بیاورند. یکی از یاران بسیار پرتلاش ما محمدرضا لطفی بود. ایشان کارهای ماندگاری در موسیقی ایران انجام داد. خاص و عام هم ایشان را می‌شناختند و در حقیقت کانون چاووش توانست همیای مردم آثار موسیقایی را در فضای انقلاب خلق کند. من از بلو تشکیل کانون چاووش درس آواز می‌دادم و در برنامه‌های هنری و در تشکیل این گروه سهم داشتم. اما همان‌طور که اشاره کردم یکی از پرتلاش‌ترین یاران ما محمدرضا لطفی بود که دوران مستمری را توانست برای موسیقی ایران رقم بزند و آثار ماندگاری را به وجود بیاورد. زندگی هنری ایشان سه دوره داشت. دوره دوم و سوم آثار زیادی را خلق نکرد؛ اما در همان دوره اول کارهای بسیار بزرگ و ارزنده‌ای از او به یادگار مانده است که همان برای او کافی بود تا نامش در تاریخ موسیقی ایران جاودانه بماند.

شما آثاری به یادماندنی با آهنگسازی و همراهی زنده‌یاد لطفی منتشر کرده‌اید. یکی از معروف‌ترین این قطعات قطعه «باز هوای وطنم» بود که از مشهورترین آثار ایشان هم به‌شمار می‌آید. این همکاری از کی آغاز شد؟

در سال ۵۴ نخستین آثری که از من در رادیو ایران پخش شد متونی نی‌نامه و تصنیفی از شیخ بهایی با مطلع «تا کی به تمنای وصال تو یگانه» همراه با تار استادان لطفی و گروه شیدا بود. دومین آثری که اجرا کردم با گروه عارف به سرپرستی حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان با قطعه «مرا عاشق چنان باید...» با اشعاری از مولانا بود. این اثر در سال ۵۵ با آهنگسازی پرویز مشکاتیان در رادیو ایران ضبط شد. ایشان قطعات بسیار ماندگاری ساخت که بخشی از آن مثل « باز شوق یوسفم دامن گرفت» در چاووش ۸، کاروان شهید - که حتما شنیده‌اید- یکی از کارهای بسیار به‌یادماندنی ما بود. لطفی در تمام برنامه‌ها و کنسرت‌ها فعال بود. ما از نخستین کنسرت‌هایی که در سال‌های بعد از انقلاب برپا شد کنار هم بودیم. در کنار محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، بصادران کامکار، علی‌اکبر شکرارچی و جمعی که کانون چاووش را تشکیل دادند در کنار هم بودیم.

شما اولین خواننده ایرانی هستید که به طور جدی روی اشعار فردوسی تمرکز کرده‌اید. امسال هم برنامه‌های متعددی برای بزرگداشت این اثر سترگ ایرانی در دانشگاه‌های مختلف بر گزار کردید. از برپایی این کنسرت‌ها بگویید.

امسال هم با توجه به روز فردوسی کنسرت‌هایی را روی صحنه بردم. یکی از کنسرت‌هایم به دعوت دانشگاه صنعتی شریف در تهران برپا شد. کنسرت دیگر را هم در کرمانشاه برپا کردم. برنامه‌های باشکوهی بودند.

در کرمانشاه شاهنامه را به چه شیوه اجرا کردید؟

در منطقه کرمانشاه عشق به شاهنامه فردوسی بسیار زیاد است. این عشق در حدی است که مردم

به روایت‌های گوناگون، داستان‌های شاهنامه را به زبان کردی روایت می‌کنند اما امسال چون برنامه کرمانشاه با روز فردوسی مصادف شده بود، ترجیح دادم شاهنامه را با اشعار فارسی و گویش حکیم بزرگ توس اجرا کنم. این اجرا بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت. کردها و مردم کرمانشاه به صورت خاص عاشق شاهنامه هستند.

در خیرها شنیدیم اجرای فارسی شاهنامه در کرمانشاه با برخی حواشی همراه بود. به دنبال این کنسرت موضوعی از سوی برخی رسانه‌ها اتخاذ شد. واکنش شما نسبت به این حواشی چیست؟

طبیعی است هر قدر یک هنرمند محبوبیتش بیشتر شود دشمنی‌ها و حسادت‌ها هم در مورد او بیشتر می‌شود. نمی‌توان منکر این مساله شد؛ به‌خصوص که مافیای موسیقی طی این ۳۰ سال وجود داشته و آزار و آسیب‌های زیادی هم رسانده. با این حال جامعه هنری علاقه‌مندان می‌خواهم توجهی به این حاشیه‌ها نداشته باشند تا شهرام ناظری طبق منوال گذشته همچنان بتواند خدمتگزار فرهنگ ایران‌زمین و موسیقی ایرانی و موسیقی کردی باشد.

چهره روز

عبدالحسین مختاباد:

با ترس و لرز در شهرستان‌ها کنسرت می‌گذاریم



● **شرق:** عبدالحسین مختاباد، خواننده و آهنگساز موسیقی سنتی ایران و رئیس کمیته فرهنگی شورای شهر تهران از مشکلاتی که سر راه اجرای کنسرت‌ها در شهرستان‌ها وجود دارد انتقاد کرد. مختاباد در برنامه ساعت ۲۵ شبکه تهران گفت: «در یک‌دهه در ایران نبودم و این فرصتی بود تا بیشتر در خارج از کشور کنسرت برگزار کنم. وقتی ما برای کنسرت خارج از کشور برنامه‌ریزی می‌کنیم همه‌چیز مشخص است که در چند شهر یا کشور اجرا می‌کنیم، اما در اینجا متأسفانه نمی‌توانیم آن اعتماد را داشته باشیم. حتی در تهران نمی‌توانیم ۱۰ یا ۲۰ شب کنسرت بگذاریم و معمولاً سالی یکبار یا دوبار بیشتر نمی‌توانیم برنامه بگذاریم». مختاباد در ادامه اظهار کرد: «اکثر قریب‌به‌اتفاق کنسرت‌ها در تهران برگزار می‌شود و در شهرستان‌ها معمولاً مدیر برنامه‌ها یا ترنس‌ولزر برنامه‌ریزی می‌کنند چون ممکن است کنسرت شب قبل از اجرا کنسل شود». مختاباد در این برنامه از نبود سالن مناسب برای اجرای موسیقی انتقاد و از ضرورت توجه بیشتر هنرمندان جوان به آواز ایرانی صحبت کرد.

زیر آسمان فیر وزماید

هملت به احترام هوشنگ گلشیری ایستاد

● **شرق:** نمایش «هملت» به کارگردانی آرش دادگر، هم‌زمان با سالگرد درگذشت استاد هوشنگ گلشیری با یاد این هنرمند و نویسنده صاحب‌نام ایرانی، روی صحنه رفت. گروه تئاتر کوئتسوم اجرای روز جمعه ۱۶ خرداد خود را به زنده‌یاد هوشنگ گلشیری تقدیم کرد و هنرمندان دست‌اندر کاران این نمایش همراه با تماشاگران، به احترام این نویسنده معاصر ایران ایستاده و یاد او گرامی داشتند. آرش دادگر در پایان اجرای این نمایش با پادی از هوشنگ گلشیری و تاثیر او بر ادبیات و هنر ایران گفت: گلشیری متفکر و ادیبی بزرگ بود که یاد و خاطراش همیشه در میان ماست. این اجرای هملت، پادی از این نویسنده و متفکر قرن ماست که هم‌زمان با سالگرد درگذشتش روی صحنه رفت. نمایش «هملت» برنده سه جایزه کارگردانی، طراحی صحنه و جایزه بزرگ سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تاکنون میزبان هنرمندانی از استان‌های قم و مرکزی نیز بوده است. در این نمایش که برداشتی آزاد از نمایشنامه «هملت» اثر جولانه ویلیام شکسپیر است، شبنم فرشادجو، خسرو شهرار، مه‌ران امام بخش، وحید راه، امین طباطبایی، عمار عاشوری، محمدرضا صالحی‌اکبری، مه‌روز کلامی، محمدمنصور و ساناژ نجفی، اسمعیل صالحی، مهربار رستمی و سعیده آجرو ایفای نقش می‌کنند. نمایش «هملت» به کارگردانی آرش دادگر تا ششم تیر ساعت ۲۰:۳۰ در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر اجرا می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند از طریق سایت‌های www.tamashakhaneh.com و www.tivall.com برای پیش‌خرید بلیت‌های این نمایش اقدام کنند.

جمعه جادو

«قصه‌های من و مامانم و من و بابام» در تلویزیون

● **شرق:** مجموعه مستند - داستانی قصه‌های من و مامانم و من و بابام» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی بیژن شکرریز به‌زودی از شبکه دوم سیما پخش خواهد شد. این مجموعه ۵۲ قسمتی که محصول گروه کودک و خردسال شبکه دوم سیماست، روایت چند کودک از شغل‌های پدر یا مادرشان و به‌نوعی معرفی شغل آنهاست. آنچه در این مجموعه موردنظر است نقدی بر نوع نگاه و رفتارهای اجتماعی و گاه قضاوت‌های نادرست مردم نسبت به شخصیت افراد از خلال شغل آنهاست. هدف شکرریز از تهیه این مجموعه یادآوری این نکته است که افراد هستند که به مشاغل ارزش و اعتبار می‌بخشند و نه مشاغل. از نکات مهم این مجموعه نوع روایت آن است که نه‌تنها لحن نصیحت‌گونه ندارد بلکه روایت ساده‌ای دارد که کودکان راوی آن هستند. این نوع روایت کودکانه می‌تواند کنج‌های هم‌سن‌وسالان و چه‌ساز بزرگ‌ترها را برانگیزد.

سر خط

● **فارس:** حمید پورآذری نمایش «سال ثانیه، را با حضور ۱۰ بازیگر جوان گروه باپتی‌ها به جشنواره بین‌المللی تئاتر زوریخ می‌برد.

● **مهر:** محمدرضا فروتن بازیگر شناخته‌شده سینما قرار است پاییز سال جاری در نمایش «سیمرغ و سپهرود» به نویسندگی و کارگردانی شکر خدا گودرزی در نقش سپهرودی روی صحنه برود.

است که گنجینه آن با نمونه‌های تازه‌ای از هنر معاصر جهان پررور شود. در غیر این صورت، منطقی‌باید نام آن به «موزه هنر مدرن» تغییر یابد.» آرمان استانیان، فرح اصولی، بابک اطمینانی، آیدین آغداشلو، گلی امامی، طامنه امدادیان، ابراهیم حقیقی، واحد خاکدان،